

بهینه‌سازی انرژی، تعامل با همسایگان و افزایش هزینه حمل، سه چالش مهم واردکنندگان پنل‌های خورشیدی است

واردات پنل خورشیدی باید مانند کالاهای اساسی، اولویت‌دار شود

خصوصی‌سازی سازی شدند؛ اما در واقعیت به بخش خصوصی واگذار نشدند. این نیروگاه‌ها اغلب به مجموعه‌هایی واگذار شدند که تخصص کافی در زمینه برق نداشتند، ما نیروگاه‌هایی داریم که نیازمند نگهداری و اورهال مداوم هستند؛ اما مالک جدید هیچ آگاهی از این فرایندها ندارد و تنها به تولید فکر می‌کند. این مشکلات سبب شده راندمان نیروگاه‌ها به شدت کاهش یابد و تجهیزات، قدیمی وناکارآمد شوند و خطوط انتقال نیز دچار مشکلات جدی باشند.

وی با بیان اینکه خوشبختانه برق خراسان از سایر نقاط کشور یک سر و گردن بالاتر است، گفت: بحران‌هایی که امروز در سایر نقاط کشور مشاهده می‌شود، برای خراسان معمولاً دو یا سه سال بعد بروز می‌کند و این موضوع نشان‌دهنده‌دیدگاه بلندمدت مدیران برق خراسان است که همواره پیشرو بوده‌اند و در شرایطی که سایر نقاط کشور به مسائل روزمره مشغول بودند، خراسان به توسعه زیرساخت‌ها و ساخت شبکه‌های برق توجه کرده‌است.

■ **فرصت ارزشمند بهره‌برداری از انرژی تجدیدپذیر**

با توجه به اهمیت حیاتی انرژی تجدیدپذیر در آینده کشور، ضروری است که سیاست‌گذاران و مسئولان ذی‌ربط به‌فوریت اقدام‌های لازم را برای تسهیل واردات این کالاهای انجام دهند. بهینه‌سازی انرژی، تسهیل در فرایند حمل و نقل و اولویت دادن به پنل‌های خورشیدی در ثبت سفارش‌ها می‌تواند نقش بسزایی در توسعه زیرساخت‌های انرژی کشور ایفا کند. همچنین ضروری است با ایجاد فضایی مناسب برای سرمایه‌گذاری بخش خصوصی و کاهش موانع موجود، گام‌های مؤثری در راستای تحقق اهداف کلان انرژی کشور برداشته شود. در غیر این صورت، با ادامه شرایط کنونی، نه‌تنها به‌بحران جدی در تأمین انرژی دچار خواهیم شد؛ بلکه فرصت‌های ارزشمند برای بهره‌برداری از منابع غنی انرژی تجدیدپذیر را نیز از دست خواهیم داد.

در واحدهای صنعتی و معدنی هستیم که این خسارت بزرگی برای کشور است. احمدرضا صفار طبسی به بحران برق از ۱۰، نمره ۵ را داد و افزود: اگر همتی برای رفع مشکلات باشد، با وجود تحریم‌ها و چالش‌ها می‌توان مسائل را حل کرد. در واقع تحریم‌ها بی‌اثر نیستند؛ اما مشکل اصلی ما فقط تحریم‌ها نیست، چرا ما پنل‌های خورشیدی را از چین وارد می‌کنیم؛ اما نیروگاه‌های چینی را برای ساخت در کشور نمی‌آوریم؟ سال‌هاست که شرکت‌های بزرگ جלו ساخت نیروگاه توسط بخش خصوصی را گرفته‌اند در حالی که می‌توان تغییراتی در این‌گونه سیاست‌ها ایجاد کرد.

وی ادامه داد: در زمینه انرژی خورشیدی نیز شعار این است که «شما نیروگاه خورشیدی بسازید، ما برق شما را قطع نمی‌کنیم»؛ اما پس از ساخت نیروگاه خورشیدی، ده‌ها دلیل فنی مطرح می‌شود که برای جلوگیری از قطع برق، باید هزینه‌های سنگین دیگر مربوط به ایجاد فیدرهای اختصاصی و تجهیزات کنترلی پرداخت شود که می‌تواند به میلیاردها تومان برسد. در یک شهرک صنعتی با ۲۰ مشترک، اگر یکی از مشترکان برای خود نیروگاه خورشیدی بسازد و بقیه نداشته باشند، باید علاوه بر هزینه‌های میلیاری ساخت نیروگاه، برای بقیه مشترکان نیز کنتور برند و هزینه‌های اضافی بپردازد و این واقعاً ظلم است.

رئیس هیئت مدیره سندیکای صنعت برق خراسان رضوی با بیان اینکه دو سال پیش طی نامه‌ای به سازمان مدیریت و مجلس پیشنهاد دادم که بارانه ارز برای تجهیزات خورشیدی حذف شود و به جای آن اجازه دهند هر کس پنل‌ها و تجهیزات مورد تأیید شرکت برق را وارد کند، افزود: واردکنندگانی که ارز با یارانه دریافت می‌کنند، کالاهای خود را با قیمت ارز آزاد به فروش می‌رسانند و این موضوع رانته‌های زیادی را ایجاد کرده است. به همین دلیل در حجم واردات، مشکلاتی وجود دارد. صفار طبسی تأکید کرد: یکی از بزرگ‌ترین اشتباه‌ها در سیاست‌گذاری کشور در حوزه برق این بود که نیروگاه‌ها به‌ظاهر



روزبه

نور

اولویت‌دار شناخته نمی‌شوند، افزود: در حالی که انرژی یکی از مسائل حیاتی و اولویت‌دار کشور به شمار می‌رود، اینورتر و پنل‌های خورشیدی در اولویت نیستند؛ اما باید مانند سایر کالاهای اساسی نظیر گندم، برنج و شکر، در حوزه جابه‌جایی جزو کالاهای اولویت‌دار قرار بگیرند و به سرعت ثبت سفارش شوند.

■ **نیروگاه‌ها در ظاهر خصوصی‌سازی شدند**

رئیس هیئت مدیره سندیکای صنعت برق خراسان رضوی نیز در گفت‌وگو با طوس درباره وضعیت برق در کشور گفت: ما در کشوری با منابع غنی انرژی زندگی می‌کنیم و جای تأسف دارد که با خاموشی مواجه هستیم. سال‌ها پیش کراهی‌ها گفته بودند اگر پنج دقیقه برق ژاین قطع شود، ما از آن‌ها جلو می‌زنیم. امروز ما مدت ۱۰۰ تا ۱۵۰ روز در سال شاهد قطع برق

رئیس کمیته پیمانکاران انجمن ساتکا تأکید کرد: در وضعیت کنونی کشور که شرایط جنگ و تحریم حاکم است، باید به بدترین سناریوها در درازمدت فکر کنیم. مسئله انرژی نیز یکی از موضوعات مهم است که اگر برای آن برنامه‌ریزی نشود، مشکلات و چالش‌های بیشتری را ایجاد خواهد کرد.

ذبیحی با بیان اینکه هم‌اکنون با کمبود کالاهای تولید انرژی مانند پنل مواجه هستیم، گفت: مواد اولیه کارخانه‌های تولید انرژی از منابع تجدیدپذیر خورشیدی و اینورترها تأمین می‌شود. اگر این مواد، تخصیص دریافت نکنند و دست دفتر برق و الکترونیک و وزارت صنایع در زمینه بهینه‌سازی باز نباشد و ثبت سفارش‌ها انجام نشود، کشور به زودی با بحران کالای تجدیدپذیر روبه‌رو خواهد شد.

وی با اشاره به اینکه پنل‌های خورشیدی به‌عنوان کالاهای

خراسان شمالی	خراسان جنوبی	خراسان رضوی
صنایع استان آماده سوخت دوم باشند معاون عمرانی استاندار خراسان شمالی بر آمادگی واحدهای صنعتی برای مدیریت افت فشار در نیمه دوم سال تأکید کرد. سیدمجتبی علوی مقدم در گفت‌وگو با تسنیم اظهار کرد: با نزدیک شدن به نیمه دوم سال و افزایش مصرف گاز، واحدهای صنعتی و تولیدی استان باید برای تداوم فعالیت و جلوگیری از توقف چرخه تولید، آمادگی لازم برای استفاده از سوخت جایگزین را داشته باشند.	پیشرفت ۶۰ درصدی نیروگاه خورشیدی نه‌بندان مدیرکل امور اقتصادی و دارایی خراسان جنوبی از پیشرفت ۶۰ درصدی نیروگاه خورشیدی ۳۰ مگاواتی که با سرمایه‌گذاری خارجی در شهرستان نه‌بندان در حال اجراست، خبر داد و گفت: بر اساس برنامه‌ریزی‌های انجام شده، این پروژه پیش از پایان امسال وارد مدار بهره‌برداری می‌شود. به گزارش ایرنا، مرتضی ذاکریان اظهار کرد: این پروژه از طرح‌های مهم سرمایه‌گذاری خارجی در حوزه انرژی‌های تجدیدپذیر استان است که با	مدیران منطقه آزاد دوغارون، مدیریت واحد و هوشمندسازی مرز را راهکار کاهش ایستایی کامیون‌ها و تسهیل تجارت دانستند. به گزارش تسنیم، سعید راهی، مدیرکل حوزه مدیرعامل منطقه آزاد دوغارون با اشاره به محصورسازی منطقه اظهار کرد: تاکنون حدود ۲۰۰ هکتار از اراضی منطقه فنس‌کشی شده و فاز گمرکی نیز آماده و گمرک جمهوری اسلامی ایران در آن استقرار یافته است. معاون توسعه مدیریت و منابع سازمان منطقه

گزارش
گفت‌وگو با پدر و خواهر شهید استوار یکم حسین محمدآبادی؛ از نیروهای یگان ویژه فراجا شهیدی که از کودکی آرزوی شهادت داشت مادرتان و از او مراقبت کنم». حسین آن ۱۳ شب کلاً پیش همسایه‌مان بود. سن آن خانم خیلی بالا بود و حسین از او به‌خوبی مراقبت می‌کرد. چون نمی‌توانست راه برود، بالای سرش بود و به او رسیدگی می‌کرد. وقتی همسایه‌مان در روستا نبود، حسین مخفیانه به خانه‌اش می‌رفت، آنجا را جارو می‌کرد و ظرف‌هایش را در حیاط خانه‌مان می‌شست. پدر شهید محمدآبادی با بیان اینکه حسین جمعه‌ها وقتی به قبرستان روستایمان می‌رفت، قبر آن‌هایی را که دیگر در روستا کسی را نداشتند می‌شست، خاطر نشان می‌کند: خیلی وقت‌ها نصف شب که وارد اتاقش می‌شدیم، می‌دیدیم نماز شب می‌خواند. برای اینکه در آزمون استخدامی نیروی انتظامی قبول شود، وقتی برای مرخصی می‌آمد، دست و پای مادرش را می‌بوسید. او یادآور می‌شود: یکی از خانم‌های مسن روستا که حسین همیشه به او سر می‌زد، تعریف می‌کرد: «یک روز در قبرستان، سر خاک شوهرم بودم که حسین هم آمد. کلی با هم حرف زدیم. در آخر گفت شما دلت پاک است، برایم دعا کن تا شهید شوم. به او گفتم: تو پدر و مادر و خواهر و برادر داری، به فکر آن‌ها هم باش. حسین گفت برای آن‌ها هم خدا درست می‌کند، می‌گذرد». محمدآبادی عنوان می‌کند: در تلفن همراه حسین که الان به ما داده‌اند، فقط فیلم و صوت مداحی، قرائت قرآن و سخنرانی‌های آقای شهید است. یک بار به خاطر ندارم که پسرم در خانه موسیقی گذاشته باشد. روی دیوار اتاقش هم عکس حضرت آقای شهید، شهید حججی و شهید سلیمانی را نصب کرده بود. در کمدهش هم کتاب‌های دعا و مذهبی از او به یادگار مانده است. پدر شهید محمدآبادی با اشاره به اینکه حسین از غیبت کردن، دروغ گفتن و سخن‌چینی بدش می‌آمد، بیان می‌کند: او گاهی ما را هم نصیحت می‌کرد که باید با مردم خوب رفتار کنیم، هر کسی بدی به شما کرد، به خدا واگذار کنید. ما تا قبل از شهادتش نمی‌دانستیم که او به‌صورت مخفیانه و گمنام به نیازمندان روستا در زمینه‌های مختلف کمک می‌کرد. همیشه هم به من می‌گفت: «بابا اگر کاری و کمکی به کسی می‌کنیم، باید کسی نبیند». ■ آخرین روزهای حسین؛ از حرف‌های عجیب تا وداع آخر طیبه محمدآبادی، خواهر شهید محمدآبادی نیز درباره بردارش به خبرنگار طوس می‌گوید: برادرش از همان بچگی خیلی مهربان بود. اوقات فراغت‌ش را بیشتر در خانه می‌گذراند. گاهی برای گوسفندان زنگوله درست می‌کرد و بعضی وقت‌ها هم به حیواناتی که به داخل خانه می‌آمدند، مثل گربه‌ها و پرنده‌ها رسیدگی می‌کرد. در دوران ابتدایی بیشتر اوقات با پدرم برای چرای گوسفندان می‌رفت و شب‌ها هم پیش پدرم و گوسفندان می‌ماند. وقتی به دبیرستان شبانه‌روزی می‌رفت، جمعه‌ها که به خانه می‌آمد، همیشه کمک‌حال پدر و مادرم بود.

فریده خسروی؛ شهادت برای برخی از آدم‌ها از کودکی نوشته شده؛ آنجا

که در کلاس انشا موضوع این است: «می‌خواهید در آینده چه کاره شوید؟» یکی می‌خواهد معلم شود، یکی کارمند و یکی ورزشکار؛ اما یکی آرزویش پلیس شدن و در نهایت شهادت در این راه است. این هدف و آرزویی است که شهید استوار یکم حسین محمدآبادی؛ از نیروهای یگان ویژه فراجا داشت و در نهایت ۱۴ اسفند سال گذشته به آن رسید.

شهید محمدآبادی از اهالی روستای محمدآباد پسکو قائنات است؛ جوانی دهه هشتادی که دلسوزی و مهربانی‌اش در میان ریش‌سفیدان و موسفیدان این روستا زبانزد است.

او که فرزند سوم یک خانواده ۶ نفره است، پس از گذراندن سربازی به استخدام نیروی انتظامی درمی‌آید و در حمله رژیم جنایتکار صهیونیستی به ورزشگاه بعثت تهران، به آرزوی دیرینه خود می‌رسد.

برای آشنایی بیشتر با این شهید جنگ رمضان به سراغ پدرش، قربان محمدآبادی رفتم. او درباره فرزند شهیدش می‌گوید: حسین پسری مهربان بود. هم‌کلاسی‌های دوران کودکی‌اش، پس از شهادت او به ما گفتند: «حسین در مدرسه می‌گفت دوست دارم وقتی بزرگ شدم، پلیس شوم و در این مسیر به شهادت برسم».

محمدآبادی درباره ویژگی‌های شخصیتی فرزندش بیان می‌کند: پسرم در کارهای خانه به مادرش کمک می‌کرد، برای مرغ‌ها و پرندehا؛ به‌خصوص گنجشک‌ها و کبوترهایی که در خانه داشتیم، لانه درست می‌کرد، برایشان غنایم‌پرد و به آن‌ها رسیدگی می‌کرد. اگر گربه‌ای جلور در خانه می‌آمد، حتماً مراقبش بود. به‌طور کلی به حیوانات خیلی علاقه داشت.

پدر شهید محمدآبادی با اشاره به اینکه حسین وقتی سرباز بود، همان زمان برای ارتش هم ثبت‌نام کرد؛ اما قبول نشد، می‌افزاید: پسرم خدمت سربازی را در قاش انجام داد. بعد از اینکه خدمتش تمام شد، دست از تلاش برنداشت و دوباره برای نیروی انتظامی ثبت‌نام کرد و قبول شد. برای انتخاب مکان خدمت نیز به او گفتند: «دوست داری کجا خدمت کنی؟» حسین هم گفته بود: «جای هر که سخت‌تر است». به همین خاطر در رسته یگان ویژه مشغول خدمت شد.

او درباره رسیدگی فرزند شهیدش به پیرزن‌ها و پیرمردهای روستا اظهار می‌کند: بعد از شهادتش متوجه شدیم که حسین به‌صورت گمنام به افراد مسن و دیگران خیلی کمک می‌کرد؛ هم از نظر مالی و هم اگر جایی از خانه‌شان خراب بود، برایشان درست می‌کرد. اگر آب نداشتند، شب برایشان آب می‌آورد. به آدم‌های مسن و پیر خیلی سر می‌زد و کلاً بیشتر با افراد مسن در ارتباط بود.

محمدآبادی در این باره تعریف می‌کند: ما یک همسایه داریم که خیلی مسن است. یک روز پایش می‌شکند، لگنش هم از جادرمی‌رود و بستری می‌شود. حدود ۱۳ شب در بیمارستان قاین بستری بود. این بنده خدا دو فرزند داشت؛ اما حسین به آن‌ها گفت: «من می‌خواهم بروم پیش



برای ما

به یادگار مانده است.

او خاطرنشان می‌کند: شب چهارشنبه ۱۲ اسفند، دوروز پیش از شهادتش فیلمی برایم فرستاد. در آن فیلم روی عکس‌های خودش مداحی «من مادرم هم صحبتیم با عکس‌هایت...» را که برای شهدای گمنام است، گذاشته بود. با دیدن آن فیلم حالم خیلی بد شد. انگار می‌دانست قرار است چه اتفاقی برایش بیفتد.

محمدآبادی می‌افزاید: چند شب پیش از شهادتش به همسرم زنگ زد و وصیت کرد که اگر اتفاقی برایش رخ داد، او را بالای مزار پسرعمو و همسرش دفن کنیم. این وصیت را از چند سال قبل به ما گفته بود و آن را چند روز پیش از شهادتش، دوباره به همسرم یادآوری کرد.

خواهر شهید محمدآبادی با اشاره به اینکه برادرش خیلی به فیلم‌برداری و ثبت لحظات علاقه داشت، می‌گوید: یک روز که به تهران رفته بودم، با او قرار گذاشتم تا خارج از یادگان بینیمش. وقتی داشت به سمت ما می‌آمد، از او فیلم گرفتم. موقع خداحافظی، دوباره گوشی را برداشتم تا از او فیلم بگیرم. خندید و گفت: «آیچی، تو که داری مثل فیلم‌های شهدا فیلم می‌گیری». من هم جواب دادم: «این حرف‌ها رازن؛ این‌ها چیست که می‌گویی؟ شوخی نکن، ما ناراحت می‌شویم».

او با بیان اینکه حسین نخستین شهید روستای محمدآباد است، می‌افزاید: حسین چند بار در جمع گفته بود: «روستایمان شهید ندارد، خیلی خوب است که آدم شهید شود». برادرم ۱۴ اسفند به شهادت رسید و ۱۷ اسفند هم‌زمان با سالگرد فوت پسرعمویم، او را در روستا به خاک سپردیم.